



هیأت های باستان شناسی در ایران

پدیدآورده (ها) : یزدانی، مرضیه
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: بهار و تابستان 1375 - شماره 21 و 22
از 95 تا 111
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/97451>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی
تاریخ دانلود : 30/07/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

«هیأت‌های باستان‌شناسی در ایران»

مرضیه یزدانی

می‌دهد...^۲، برای دستیابی به چنین هدفی یک باستان‌شناس همانند هر دانشمند دیگر، ابزار کار خود یعنی فرهنگ‌ها و جوامع مورد مطالعه خویش را تفسیر می‌کند و سرانجام با توجه به مدارکی که در اختیار دارد به تبیین آن می‌پردازد.

در این جا سخن بر سر روش‌های علمی و دستاوردهای مفید و مهم باستان‌شناسی نیست، بلکه مهمترین مسأله آن است که بدانیم اروپائیان با چه بینش و فرهنگی در حیطه این علم وارد شدند و چه هدفی را دنبال می‌کردند؟ ریشه پاسخ به این سؤال را البته می‌باید در رنسانس و تغییر ساختارهای فکری انسان اروپایی جستجو کرد که در نهایت منجر به رشد علوم جدید گردید.

کارل یاسپرس منشاء و علت پیدایی علوم جدید را از زوایایی وسیعتر مطرح می‌سازد. وی تا آنجا که ممکن است از رنسانس نیز پیشتر رفته و به تشریح علل آفرینشهای معنوی انسان می‌پردازد. لذا عوامل بسیاری را نظیر «... شرایط اجتماعی، آزادی کشورها و شهرها، فراغت اشراف، آزادی رفت و آمد و مهاجرت، رقابت قدرت‌ها و انسان‌ها، تماس یافتن اروپائیان با ملل و اقوام دیگر در جریان جنگ‌های صلیبی، امکان گسترش فرهنگ از راه صنعت چاپ و...» را ذکر می‌نماید. همچنین متذکر می‌گردد که گسترش شاخه‌های مختلف علوم، در این راه با بروز تصادف‌هایی نیز همراه بوده است. به عنوان مثال کندن و «... شکافتن زمین برای انجام وظایف فنی به کشفیات باستان‌شناسی و یافتن آثار پیش از تاریخی منجر شد و یا طمع و ماجراجویی به کشف همه مناطق کره زمین انجامید...»^۶ به این ترتیب بارها گفته شده است که منشاء علوم جدید «... قدرت‌طلبی بوده که از زمان یونان چیرگی بر طبیعت، توانایی و سودجویی...»^۷ تکمیل‌کننده آن تلقی شده است.

سپس در این خط سیر آثار و نتایج انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹م) روند توجه به علوم انسانی را سرعت بیشتری بخشید و انسان در فرهنگ غرب خود را به عنوان موضوع تفکر و موضوع شناخت تعیین کرد. به عبارت دیگر «... علوم انسانی، هدف خود را تهیه صورتی از شناخت‌ها و تحقیق درباره تاریخ پیشرفت انسان قرار داد...»^۸ نیل به این هدف، ضرورت پرداخت و مطالعه گذشته انسان را به عنوان یک فرآیند مهم، نشان داد که به منظور دستیابی به آن، تکنیک‌های مختلفی ابداع گردید. یکی از این تکنیک‌ها علم باستان‌شناسی بود که به تحقیق در تاریخ

«... غرب بین سال‌های (۱۷۹۷ - ۱۸۷۳ م) برتری خود را نسبت به سایر نواحی جهان تثبیت کرد. این تثبیت، تکمیل جریانی بود که چهارصد سال قبل از (۱۸۹۷ م) با اقیانوس‌پیمایی «کلمب» و گردش دریایی «واسکودوگاما» به دور دماغه امیدنیک تا سواحل غربی هند، شروع شده بود...»

«آرنولد توین‌بی» در مقدمه کتاب خود مقطع تاریخی ذکر شده و پیشینه آن را آغاز برتری‌طلبی غرب می‌داند. در واقع با توجه به همین تاریخ که کمابیش مورد تایید اکثر مورخان است، تکیه‌گاه بررسی حاضر پایه‌ریزی شده است بدون تردید در تثبیت برتری و مزیت غرب یک سلسله از عوامل مهم و حیاتی دیگر نیز دخیل بود که یکی از آن دلایل، می‌توانست افزایش سطح علمی و تخصص غربیان باشد. «چنین مزیتی حضور آنها را در عرض چهار قرن در اکثر کشورهای غیر غربی حتمی ساخت»^۹. در واقع به تدریج دانش و تخصص به یکی از میدان‌های مهم تسلط تبدیل شد که در رشته‌های مختلف رخ نشان داد. یکی از این زمینه‌ها، حیطه باستان‌شناسی بود.

هدف بررسی حاضر، در وهله اول تشخیص انگیزه و رویکرد به مطالعات باستانی توسط اروپائیان است. تا از این طریق دلیل کاوش‌های هیأت‌های علمی باستان‌شناسی و عملکرد آنها شناخته شود. بدیهی است کشف مجهولات و بررسی گرایش‌ها و عقاید و روح یک فرهنگ و ارزیابی ارزشهای یک تمدن از طریق مانده‌های باستانی، می‌تواند جزو علمی‌ترین دلایل کاوش‌ها باشد. یعنی با توجه به این اصل که هر پدیده اجتماعی و انسانی به طور بسیط و صددرد از یک نوع نیست و هر پدیده‌ای که انسان می‌سازد از مادیت و معنویت در آن موجود است، می‌توان از طریق ارزش‌های مادی (مانده‌های باستانی) به تحقیق در روح یک فرهنگ پرداخت. «... در واقع کسی که مجسمه و یا تابلویی می‌سازد، به نسبت غالب بودن عنصر معنوی یا مادی به آن تجسم می‌بخشد... بنابراین مذهب، فلسفه، شعر و غیره فرهنگ آن جسم می‌گردد و وقتی به ساختمان می‌رسد تمدن آن جسم را عنایت می‌بخشد...»^{۱۰}

به این ترتیب می‌توان روح یک فرهنگ را از داخل تمدن آن بازشناخت. در این شناسایی همان‌گونه که «... علم دیرین‌شناسی (Paleontology) بیشترین مدارک را در تطور انسان فراهم می‌آورد، باستان‌شناسی نیز بیشترین دانش را درباره رشد فرهنگی به دست

فرهنگ از طریق بقایای مادی پرداخت و در این راه متکی به مدارکی گردید که جوامع انسانی ناخودآگاه از خویش بر جای گذاشته‌اند. این طرز تلقی به سرعت مطالعات علمی و میدان عملکرد این رشته را متوجه تمدن‌های کهن کرد. از طرفی نیز ترویج علوم و افزایش عده شایق به انجام کاوش‌های باستان‌شناسی در اروپا، حوزه کار را گسترده‌تر گردانید. در واقع یافتن پاسخ منطقی تشکیل تمدن‌ها، خواه ناخواه آنها را متوجه محل تشکیل تمدن‌های اولیه در کناره رودخانه‌ها ساخت. این توجه علاوه بر امپراطوری مصر و شرق دور، در آسیای نزدیک تمدن بین‌النهرین را با دولت‌هایی همچون بابل و هیتی و آشور... و در فلات ایران تمدن عیلام و ایرانی را دربر می‌گرفت.^۹ در همسایگی تمدن بین‌النهرین فلات ایران نیز به منزله پلی بین آسیای مرکزی و آسیای غربی، که جلگه‌های آسیای داخلی را به نجدهای آسیای صغیر و اروپا متصل می‌کند، بیشتر مورد توجه قرار گرفت. به قول پروفیسور گیرشمن «... این وضع جغرافیایی همواره وظیفه تاریخی مهمی را که فلات ایران در طی هزاران سال از تاریخ بشریت ایفا کرده است به خوبی توضیح می‌دهد»^{۱۰} و وظیفه تاریخی ایران را می‌توان در تلفیق تمدن‌ها در این ناحیه خلاصه نمود. به همین جهت ایران، به عنوان یک شاهراه تمدنی، به زودی بسیاری از کاوشگران اروپایی را متوجه خود کرد. شناخت دقیق و علمی از ایران، می‌توانست زنجیره میانی از سلسله تمدن‌های کهن را در آسیا مشخص گرداند.

تاریخ شناخت اروپائیان از ایران به همان زمان برتری طلبی غرب باز می‌گردد، یعنی همان تاریخی که گسترش جویی‌های غرب با شمار فراوانی از جهانگردان، بازرگانان، جغرافیدانان و دانشمندان کنجکاو آغاز شد. عصر روشنگری اروپا بسیاری از این سفیران را به شرق و از جمله ایران سرازیر نمود. «... منابع موجود نمایانگر آن است که تنها در نیمه دوم سده ۱۷ یکصد و چهل و هفت سفرنامه، آن هم تنها، وسیله جهانگردان فرانسوی نوشته شد که پنجاه و دو دوره از آن سفرنامه‌ها درباره ایران بوده است»^{۱۱}... به همین ترتیب در طی قرون ۱۷ و ۱۸ تعدادی اروپایی برای دیدن پرسپولیس و شوش راه ایران را در پیش گرفتند و به دنبال آنها «... دو نفر انگلیسی به نام‌های «لوفتوس» (Loftus) و سرهنگ ویلیامز (Williams) راه آنها را ادامه دادند و افتخار کشف تالار تاجگذاری شاهان بعد از داریوش و تعیین محل صحیح کاخ آپادانا را نصیب خود ساختند»^{۱۲}... این افراد گزارش کشفیات خود را در خاطراتی انتشار دادند که برای آن عصر کاملاً جدید و بی‌سابقه بود. ولی این تحقیقات همانند جستجوها و مطالعات راولینسون (Rawlinson)، تکسیه (Texier) و فلاندن (Flandin) نظری بود. زیرا قبلاً مطالعاتی در این زمینه انجام نگرفته بود، وانگهی نامبردگان فاقد وسایل و لوازم تحقیقاتی لازم بودند. با همه این احوال کشف راز سنگ‌نبشته‌های میخی توسط ایشان، به کشفیات اولیه در ایران ارزش علمی زیادی بخشید. از آنجایی که شناخت اولیه از تاریخ فلات ایران، بدون شناخت تاریخ قدیمی‌تر آن، یعنی تمدن عیلام میسر نبود، در اولین قدم‌ها «شوش» به عنوان پایتخت عیلام مورد مطالعه علمی واقع شد. در واقع این منطقه از برکت همجواری با کوهستان‌های حاشیه فلات ایران و «... ذخایر طبیعی و عظیم آب»^{۱۳}... تمدنی کهن را در خود نهفته داشت. شرایط اقلیمی «... موقعیت خاص کشاورزی و اقتصادی و ثروت و آبادی خیره‌کننده‌ای»^{۱۴}... را در منطقه شوش فراهم آورده بود.

این موقعیت به همراه همجواری با تمدن درخشان بین‌النهرین، بنا به نظر اکثر مورخین «... موجبات سلطه سیاسی عیلامیان و وحدت فلات ایران را فراهم کرده بود»^{۱۵}... در واقع شرایط مناسب دولت عیلام و توسعه اقتصادی، امکان استعمال فلزات و سفال‌ها، تلفیق خط و در یک کلمه شروع هنر ایران، را از این نقطه فراهم آورد^{۱۶}... به این ترتیب «شوش» به عنوان یکی از مهمترین مراکز اولیه تمدن در فلات ایران، شناسایی و مورد توجه باستان‌شناسان قرار داشت.

بر اساس اسناد و مدارک در دسترس، فرانسویان اولین ملیتی بودند که دست به کار مطالعه علمی و حفاری‌های برنامه‌ریزی شده، در ایران و به خصوص در منطقه شوش شدند^{۱۷}... در این مرحله بی‌مناسبت نیست که تا قبل از هر نوع کسب اطلاع از عملکرد هیأت‌های علمی خارجی - نمادهای تمدن غرب در احیای تسلط بر کشورهای همچون ایران - بنابر گفته اسناد دکتر عبدالهادی حائری «دو رویه از تمدن غرب» در ارتباط با حضور خارجی‌ان شناسایی شود. به همین جهت اگر از منظر و رویه دانش و تخصص به حوزه کار و فعالیت - به ویژه - اولین هیأت‌های علمی باستان‌شناسی نگاه گردد، بدون تردید متوجه خواهیم شد که: ضرورت تکمیل اطلاعات و بازیافته‌ها در حیطة شناخت تمدن‌های کهن، حضور خارجی‌ان را در ایران حتمی ساخت. بنابراین اگرچه کاوش‌ها و مطالعات علمی آنها از دیدگاه علم باستان‌شناسی اهمیت بسیار زیادی در شناخت تاریخ ایران قبل از اسلام دارد، ولی یک نکته را نباید از نظر دور نگاهداشت و آن این که مطالعات ایشان به دنبال تحولات فکری بعد از عصر روشنگری و درخواست علمی تمدن غرب انجام می‌شد. با این هدف، به طور یقین دستاوردهای غربیان نمی‌بایست منافع ایران را نیز در نظر داشته باشد.

در رویه دوم - شکل استعماری - به لحاظ این که حضور اولین هیأت‌های علمی ضرورت فرهنگی و نتیجه رشد علم باستان‌شناسی در ایران نبود، شکل تحمیلی خود را حفظ کرده و نفوذ خارجی‌ان را در این ارتباط به دنبال داشت. به همین ترتیب در شیوه استعماری، بسیاری از گنجینه‌ها و ذخایر به دست آمده، یکسره راهی اروپا شد. و سهم ایران تنها اظهار تشکر از شناخت تمدن و فرهنگ گذشته خود تلقی گردید.

از آنجایی که هیأت علمی کاوشگران فرانسوی در این زمینه نسبت به دیگر هیأت‌های خارجی از قدمت و حضور بیشتری برخوردار هستند، در ابتدا به شناسایی هیأت باستان‌شناسی فرانسوی پرداخته شد.

«هیأت فرانسوی»

اولین اقدام برای کشف علمی در منطقه شوش در اوایل سال (۱۸۸۵ م / ۱۲۶۴ ش) به عمل آمد. مهندس دیولافوی فرانسوی (Dieulafoy) مأمور مطالعه و حفاری در «خرابه‌های تاریخی کیخسرو، داراب و شاهپور و اطراف شوشتر و دزفول شد»^{۱۸}... ناصرالدین شاه در حالی این اجازه را به دیولافوا داد که در مورد فایده مطالعه «ابنیه خرابه ایران برای دولت فرانسه»^{۱۹} اظهار بی‌اطلاعی می‌کرد. به هر حال دیولافوا به اتفاق همسرش و دو جوان فرانسوی دیگر توانست «... کاخ آپادانای شوش را از زیر خاک بیرون آورد»^{۲۰}... این نتایج ماورای تصور حتی خوشبین‌ترین کارشناسان از حیث ارزش تاریخی و معنوی قرار گرفت و توجه فرانسویان را بیش از

پیش متوجه این منطقه نمود. قرارنامه‌هایی که در سال‌های بعد با ناصرالدین شاه بسته شد و تکمیل‌کننده امتیازات قبلی بود این موضوع را تأیید می‌کند. به عنوان مثال در اسناد آرشیوی، سوادى از قرارنامه سال (۱۳۱۲ هـ ق / ۱۸۹۵ م) وجود دارد که در فصول ششم و هفتم آن آمده است:

«... اشیای نفیسه از قبیل طلا و نقره و یا جواهر اگر پیدا شود، ملک مخصوص دولت علیه ایران خواهد بود. ولی چون مأمورین فرانسه در انکشاف آن زحمت کشیده‌اند، اگر بخواهند خریداری نمایند، دولت ایران نصفه آن را به قیمت عادله به آنها خواهد فروخت و نصف دیگر را هم در صورتی که دولت علیه خواسته باشد بفرشد، دولت فرانسه مقدم خواهد بود.

فصل (۷): از حجاری و مجسمه و خطوط هرچه یافت شود می‌توانند نقشه و قالب آن را بردارند و آنچه پیدا شود نصف آن مال دولت فرانسه خواهد بود^{۲۱}... توجه به سهم ایران و وارد کردن این موضوع در فصول قرار دادهای انحصاری در تمام این سال‌ها احتمالاً به جهت احیای تاریخ و فرهنگ ایران در داخله کشور نبود بلکه به وسیله افرادی به شاه القاء می‌گردید که در نظر داشتند سهم ایران را از اشیای مکشوفه به کشورهای خارجی دیگری که شایق خرید آن باشند، بفرشند. شایان ذکر است که این نوع خرید و فروش‌ها از نظر ناصرالدین شاه نیز مخفی نبود. چنانکه وی در سفر سوم خود به فرنگستان در بازدیدی که از نمایشگاه پاریس به عمل آورده، از اقدام مسیو «ریشار» خان معلم زبان انگلیسی دارالفنون در مورد خرید اسباب‌های کهنه ایران سخن به میان آورده است. و این چنین توضیح می‌دهد که «... وی این سکه‌ها و نقاشی‌های قدیمی را حتی از دست دلال‌ها و سایر ایرانی‌ها به هزار تومان خریده و در اکسپوزیسیون پاریس به نمایش گذاشته و یک انگلیسی برای موزه لندن به هشت هزار لیره که سی هزار تومان پول ایران باشد از ریشار خریده که وقتی اکسپوزیسیون تمام شد، آنها را برید^{۲۲}... وی از به نمایش درآمدن آثار ایرانی در موزه‌های پاریس و لندن بسیار خشنود بود و به همین دلیل تصمیم گرفت «... کلیه اشیای عتیقه کشف شده در شوش را در اختیار فرانسویان بگذارد^{۲۳}...».

به دنبال این سخاوت از سال (۱۸۹۵ م / اسفند ۱۲۷۴) دو بالوا (M. de Balloy) سفیر فرانسه در ایران و نمایندگان ناصرالدین شاه امتیاز حفاریات باستان‌شناسی را در سرتاسر قلمرو کشور ایران به طور انحصاری به کشور فرانسه واگذار می‌نمایند. در سال (۱۸۹۷ م) دولت پاریس بر حسب رأی کمیته ماموریت‌های علمی و ادبی «دومرگان» (de Morgan) مدیر سابق عتیقه‌جات مصری را مأمور انجام حفاری‌های باستان‌شناسی در ایران می‌نماید. وی در دو نوبت سرزمین تحت حکومت قاجارها را زیر پا گذاشت و هربار مجموعه‌های ارزشمندی از آثار باستانی به پاریس برد^{۲۴} در سال (۱۹۰۰ م) قراردادی با مظفرالدین شاه در پاریس به امضا رسید و مفاد قرارداد ۱۸۹۵ را تکمیل نمود. به موجب این موافقتنامه انحصار دایمی و همگانی انجام کاوش‌ها و خارج ساختن اشیای هنری و باستان‌شناسی را در سرتاسر کشور ایران به فرانسه واگذار کرد^{۲۵} بر اساس این قرارداد نیمی از اشیای مکشوفه در حفاری‌های سراسر ایران (غیر از شوش) می‌بایست به دولت ایران تحویل گردد. اما فرانسویان بیش از هر نقطه دیگر در ایران، بیشترین سرمایه‌گذاری علمی خود را مصروف شوش کردند. چرا که به موجب امتیازنامه مورد ذکر تمامی آثار یافت شده در

منطقه شوش متعلق به فرانسویان بود. با احتساب تمامی مزایایی که در مورد «مجموعه تمدنی شوش» قبلاً ذکر شد، مسلماً تلاش‌های هیأت فرانسوی در آن منطقه، بیشترین و مهمترین دستاوردهای تمدنی را در اختیار آنان گذارد.

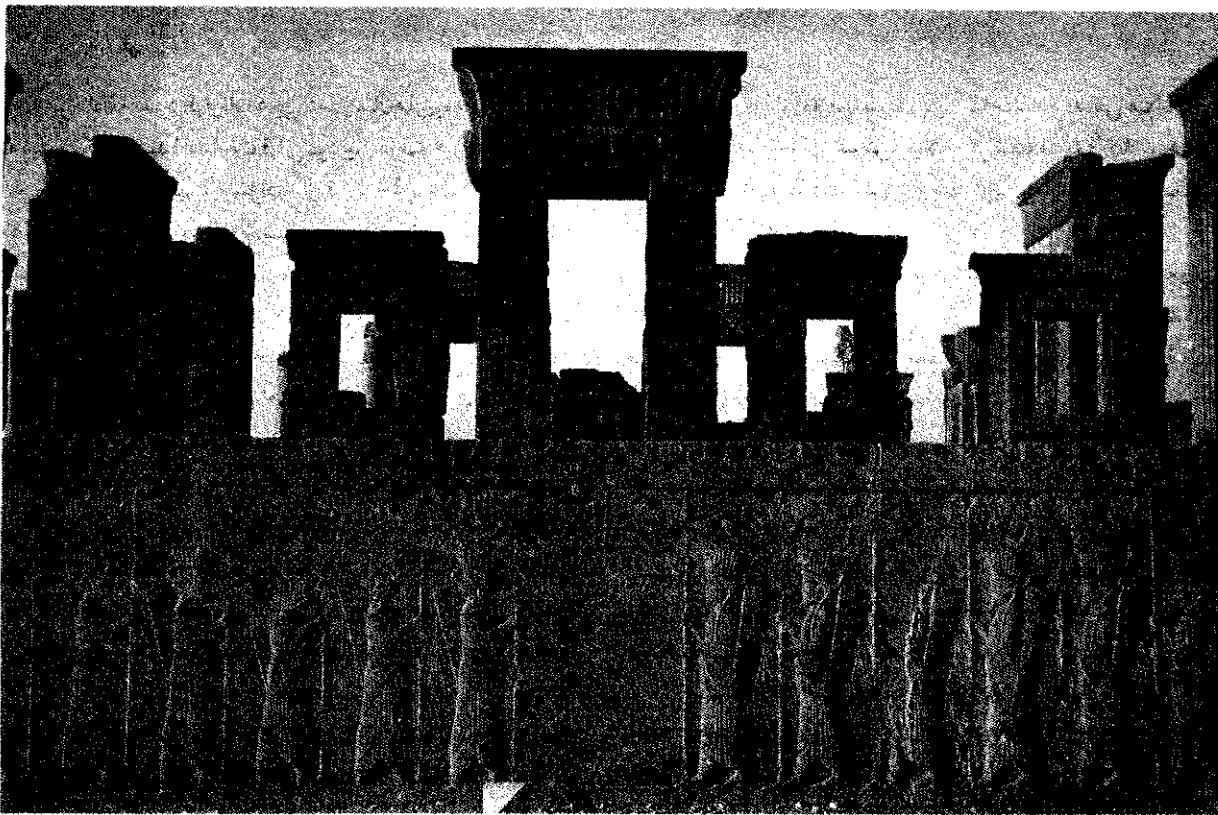
بر اساس این امتیاز «کاوش علمی منظم دولت فرانسه، کلیه زمین‌هایی که در داخل محدوده مالکیت خصوصی یا املاک دولتی قرار داشت را دربر می‌گرفت. هیچ‌گونه جستجو یا عملیات دیگری در هیچ منطقه ایران نیز بدون اجازه دولت فرانسه نباید انجام می‌شد^{۲۶}». رئیس این هیأت فرانسوی «دومرگان» بود که به طور منظم از سال (۱۸۹۷ - ۱۹۱۱ م) در سفرهای مطالعاتی خود به ایران با کمک مالی دولت فرانسه، شخصاً حفاری‌ها را سرپرستی می‌نمود. این هیأت ذخایر تاریخی و نفیس بسیاری را به دست آورد که نمونه‌های جالب این آثار را باید در موزه لوور پاریس جست^{۲۷} دومرگان در این ماموریت‌ها به وسیله باستان‌شناسان دیگر فرانسوی همراهی می‌شد. همچون:

«لامپر (Lampre)، ژکبیه (Jequier)، گوتیه (Gautier)، واتلین (Watelin)، آندره (Andre)، توسکان (Toscane)، پی‌ریه (Pillet)، و به خصوص پ. شیل (P. Scheil) مطلع‌ترین متخصص در امور باستانی مربوط به دوران آشوری‌ها^{۲۸}».

با انقلاب مشروطه و تشکیل مجلس، یکی از امتیازات انحصاری که مورد ایراد قرار گرفت، انحصار کاوش‌های باستان‌شناسی فرانسویان بود. در سال (۱۹۱۱ م / ۱۲۹۰ ش) یک طرح قانونی که کلیه تضمین‌های موجود در قبال امتیازات حفاری فرانسویان را به هیچ می‌شمرد، تقدیم مجلس شد. «این طرح کلیه جستجوهای باستان‌شناسی را در سرتاسر خاک ایران بدون اجازه قبلی دولت ایران ممنوع می‌ساخت و دولت ایران تا ۴۰ درصد آثار یافت شده را دریافت می‌داشت^{۲۹}». این اتفاقات درست در هنگامی روی داد که مسیو «دومکنم» (de Mecquenem) به جای دومرگان اداره حفاریات شوش را بر عهده گرفت. امیل لوسوئور معتقد است «... هیأت علمی فرانسه در سال (۱۹۱۳ م / ۱۲۹۲ ش) به این قانون اعتراض کرد و مسیو «لوکونت» (M. Lecomte) سفیر فرانسه در ایران به دنبال دخالت سرسختانه‌ای موجب شد این طرح قانونی حتی برای بحث و تصویب به مجلس شورای ملی هم برده نشود^{۳۰}...».

بنابراین حفاری‌های فرانسویان همچنان تا سال ۱۹۱۴ ادامه داشت. در این سال شروع جنگ بین‌الملل اول باعث تعطیلی کار حفاران فرانسوی و عزیمت آنها به فرانسه شد. ولی دولت فرانسه سعی نمود حضور خود را در ایران حفظ کند. از این رو در این سال تصمیم گرفته شد که «... آقایان پ. شیل و دومکنم تا پایان دوره جنگ به عنوان مدیریت رسمی کارگاه‌ها در ایران باقی بمانند^{۳۱}...».

در واقع، با وضع قوانین تازه در مورد حفاریات باستان‌شناسی، قانونگذاران سعی داشتند، تسلط مستقیم فرانسویان را بر انحصار حفاریات از بین ببرند، از طرف دیگر به لحاظ آن که پیرامون نیاز کشور به پیشرفت‌های علمی و تخصصی سخن رانده می‌شد، حضور خارجی‌ان به جهت ادامه فعالیت‌های علمی محرز می‌گردید. با همه این احوال برای کم کردن نفوذ فرانسه در ایران، تنها اعتراض دولت انگلستان بر ادامه فعالیت انحصاری فرانسویان در این زمینه کافی بود. اما قانونگذاران سرت اشیای



منظور - رفع نیازهای تخصصی کشور - موجبی شد تا تسهیلات دولت ایران حداقل از سال (۱۳۱۱ ش) مشمول حال هیأت‌های خارجی باشد. بنابراین صندوق‌های اشیای مکشوفه هیأت فرانسوی «... اجازه خروج از ایران بدون تعهد فروش اسعار خارجی^{۳۶}...» دریافت داشتند. مسیو دومکنم فرانسوی نیز همچنان اجازه حفاریات در نواحی اطراف شوش را برای مدت ۵ سال دیگر از هیأت وزرا دریافت کرد^{۳۷}. در واقع یافتن علت استمرار حضور خارجیان در ایران را می‌توان از زوایای مختلف سیاست و اقتصاد و اجتماع و... بررسی کرد. اما مهمتر از همه آن است که در ابتدا رویکرد به دانش و تخصص در ایران دانسته شود. از همان ابتدا نیاز به دانش و پیشرفت‌های علمی و فنی که به طور کلی «نوگرایی» خوانده می‌شد، باعث بروز واکنش‌های متعددی شد^{۳۸}. اما در نهایت فعالیت پیرامون نوسازی ایران به گونه‌ای با تمدن غرب همگون شد که به همراه استفاده از تخصص خارجیان، حضور آنها نیز جزء لاینفک پیشرفت اساسی کشور، محسوب می‌گردید^{۳۹}. به عنوان مثال در حوزه باستان‌شناسی، این تخصص به صورت علمی و همه‌جانبه حداقل تا سال (۱۳۳۲ ش) از حیطة قدرت خارجیان بیرون نرفت. حتی «... پس از این که در مهر ماه (۱۳۰۶ ش) لایحه امتیاز انحصاری حفاریات باستان‌شناسی فرانسویان در مجلس لغو گردید، در سال (۱۳۰۸ ش) «آندره گدار» فرانسوی به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و کار خود را با سمت مدیرکل عتیقیات و موزه رسماً آغاز کرد^{۴۰}...». وی کارهای درخشانی را در زمان تصدی خود به انجام رسانید. تحقیقات او درباره معماری اسلامی، برنزه‌های لرستان و تعمیر و معرفی بناها، کارهای فوق‌العاده‌ای است. مجلدات «آثار ایران» و کتاب «هنر ایران» وی جزو کتابهای مرجع و معتبر فرهنگ و تمدن ایران به شمار می‌رود. اما شایان توجه است که وی در مدت بیست و چهار سال اداره بلامنازع و رسمی باستان‌شناسی و موزه‌داری در ایران، نهایت خست را در تربیت باستان‌شناس و موزه‌دار از

عتیقه را که غالباً اتفاق می‌افتاد به عنوان دلیل ظاهری در نظر داشتند. با وضع قوانینی در جهت عدم انحصار حفاری فرانسویان توسط مجلس، نه تنها در نقل و انتقال غیرقانونی اشیای عتیقه از کشور تغییری حاصل نشد، بلکه به جز فرانسه، هیأت‌های حفاری دیگری را از آلمان و انگلیس و امریکا و... وارد معرکه ساخت. دستیابی و مطالعه اسناد موجود در خزانه سازمان اسناد ملی ایران این موضوع را تأیید می‌کند^{۴۱}. بر اساس اسناد موجود به همراه فعالیت هیأت‌های دیگر، ادامه فعالیت هیأت فرانسوی در شوش را حداقل از سال (۱۳۰۷ ش) می‌توان پی گرفت^{۴۲}. در این سال‌ها مسیو دومکنم مدیریت کار حفاری هیأت فرانسوی را بر عهده داشت. تفاوت عمده وضعیت حفاری در دوره حکومت پهلوی اول با قاجارها، در مدت زمان اعطای امتیازنامه‌ها بود. اسناد حاکی از آن است که امتیازنامه‌ها برای یک دوره پنجساله اعطا می‌شد و نظارت آن بر عهده وزارت مالیه و معارف قرار داشت^{۴۳}. به دنبال بالاگرفتن تعداد متقاضیان کاوش‌های باستان‌شناسی در ایران و افزایش تعداد تجار عتیقه، هیأت دولت به جهت نظارت در کار عتیقیات، در سال (۱۳۰۹ ش) نظامنامه مدوئی به جهت حفظ آثار عتیقه و حفاری و تجارت آثار عتیقه در سی و شش ماده به تصویب رساند. در این نظامنامه ضمن تشریح شرایط متقاضیان حفاری، در ماده پانزدهم و شانزدهم خاطر نشان می‌شود که «... اجازه‌نامه برای یک یا چند محل و به مدت یک یا چند سال داده خواهد شد.

ماده شانزدهم: مدت جواز حفاری‌های تجارتی از پنج سال تجاوز نخواهد نمود ولی قابل تجدید خواهد بود^{۴۵}...». تأمل در ماده شانزدهم این نظامنامه نشان می‌دهد که برای ادامه فعالیت حفاری خارجیان در ایران، هیچ‌گونه محدودیتی ایجاد نشد و همچنان امتیازنامه‌های آنها قابل تمدید بود. تنها ادامه عملیات «زیر نظر دولت ایران»، نقش دولت را در جهت تأمین نیاز تخصصی کشور برجسته می‌ساخت. اسناد نشان می‌دهد که این

پی‌نوشت‌ها :

- (۱) - آرنولد توین بی: تاریخ تمدن، ترجمه دکتر یعقوب آژند، (تهران: انتشارات مولی، ۱۳۶۸)، چاپ سوم، ص: هفده.
- (۲) - همان، همان صفحه
- (۳) - علی شریعتی: تاریخ تمدن، مجموعه آثار ۱۱، (بی‌جا: انتشارات دفتر تدوین و تنظیم، ۱۳۵۹)، جلد اول، ص ۹.
- (۴) - یوسف مجیدزاده: روش کار در باستان‌شناسی، باستان‌شناسی و تاریخ، سال هفتم، شماره اول و دوم، ص ۷۱.
- (۵) - کادل یاسپرس: آغاز و انجام تاریخ، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۳)، ص ۱۲۰.
- (۶) - همان، صص ۱۲۱ - ۱۳۰.
- (۷) - همان، ص ۱۲۲؛ نیز ر.ک به، ویل دورانت: تاریخ فلسفه، ترجمه عباس زریاب، (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳)، چاپ یازدهم، صص ۱۲۴ - ۱۲۷.
- (۸) - رامین جهاننگو: مدرنیته، دموکراسی و روشنفکران، (تهران: انتشارات مرکز، ۱۳۷۴)، ص ۳۱.
- (۹) - ساباتینو موسکاتی: ایرانیان، ترجمه قدرت‌الله مهتدی، هستی، شماره تابستان ۱۳۷۲، صص ۴۶ - ۵۵؛ نیز ر.ک به، محمدجواد مشکور: جغرافیای تاریخی ایران باستان، (تهران: انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۷۱)، چاپ اول، صص ۱۱۲ - ۱۳۵؛ حسن پیرنیا: ایران باستان، (تهران: انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۷۳)، چاپ ششم، جلد اول، صص ۱۴۳ - ۱۶۰؛ نیز ر.ک به:
- Walter Walband and Arnold Schrier: Living of history, south California University press, p.p: 7 - 12.
- (۱۰) - رومن گیرشمن: ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶)، چاپ ششم، ص ۱، نیز ر.ک به، رنه گروسه: ایران و نقش تاریخی آن، ترجمه دکتر غلامعلی سیار، هستی، شماره ویژه ایران و فردوسی، صص ۲۳ - ۲۹، شماره تابستان ۱۳۷۲، ص ۸۷، هگل: نظر هگل درباره ایران، ترجمه حمید عنایت، هستی، تابستان ۱۳۷۳، ص ۲۹.
- (۱۱) - دکتر عبدالهادی حائری: نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲)، چاپ دوم، ص ۱۱۱.
- (۱۲) - امیل لوسوتور: نفوذ انگلیسی‌ها در ایران، ترجمه محمدباقر احمدی ترشیزی، (بی‌جا: انتشارات کتاب، ۱۳۶۸)، ص ۱۰۰.
- (۱۳) - رنه گروسه: همان، ص ۲۹.
- (۱۴) - حبیب‌الله صدیقی: خرابی‌های وارده بر شوش، یغما، شماره ۷، ص ۲۳.
- (۱۵) - جورج کامرون: ایران در سینه‌دم تاریخ، ترجمه حسن انوشه، (تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۵)، چاپ اول، ص ۵ - ۹ و بعد؛ نیز ر.ک به، رنه گروسه: همان، ص ۳۰.
- (۱۶) - جورج کامرون: همان، ص ۹؛ رنه گروسه: همان، ص ۲۶.
- (۱۷) - رومن گیرشمن: کاوش‌های هیأت‌های باستان‌شناسی فرانسوی در شوش و مسجدسلیمان... ترجمه مسعود رجینا، هنر و مردم، شماره ۶۷ / ۶۸، صص ۷۶ - ۸۰؛ نیز ر.ک به، گزارش‌های دومین مجمع سالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران: زیر نظر فیروز باقرزاده، (تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران، ۱۳۵۲)، صص: ذ. ر.
- (۱۸) - مادام دیولافوا: سفرنامه دیولافوا، ترجمه فراهوشی، (تهران: ناشر کتاب‌فروشی خیام، ۱۳۶۱)، چاپ دوم، ص ۱۳۴.
- (۱۹) - همان، همان صفحه.
- (۲۰) - لویی وان‌دنبرگ: باستان‌شناسی ایران باستان، با مقدمه رومن گیرشمن، ترجمه عیسی بهنام، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۵)، صص: الف - ج.
- (۲۱) - سند شماره یک؛ از سری اسناد میکروفیلم وزارت مالیه با شماره‌های ۲۳ و ۲۴/۳۷/۱۱۵؛ امیل لوسوتور: همان، ص ۱۰۱.
- (۲۲) - روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم به فرنگستان: به کوشش دکتر

خود نشان داد. «... وی علاقه و تمایلی نسبت به آموزش افراد ایرانی در جهت فراگیری رشته‌های مختلف این تخصص نداشت و در این مدت، این تخصص‌ها هرگز از حیطه تکراری‌های آگاهانه وی و همسرش فراتر نرفت...»^{۲۱}. مطلب مورد ذکر نقش محدود ایرانیان را در کاوش‌ها و حفاریات علمی مشخص می‌سازد. همین‌طور مطالعه انبوهی از اسناد گزارش‌های باستان‌شناسی، تنها حاکی از کشف و حفر و تجارت آثار باستانی، در نقاط مختلف ایران است، این اقدامات به صورت قانونی یا غیرقانونی عمدتاً توسط «تجار عتیقه‌فروشی» انجام می‌شد که غالباً نیز ملیت ایرانی داشتند^{۲۲} به این ترتیب از کار علمی توسط ایرانیان خبری نبود.

تدوین نظامنامه «حفظ آثار عتیقه در سال ۱۳۰۹»^{۲۳} دال بر این حقیقت است که دولت سعی بر نظارت و کنترل آشفته بازار حفاری و تجارت آثار عتیقه که جدای از مطالعات علمی خارجیان بود، داشته است. در واقع رواج بی‌رویه تجارت آثار عتیقه توسط تجار ایرانی، که از دیرباز همچنان ادامه داشت، موجبی برای کنترل تجارت آثار عتیقه توسط دولت بود. در این راه همانند امتیازنامه‌های پنجساله‌ای که به هیأت‌های حفاری علمی خارجی داده می‌شد، تجار عتیقه‌فروش نیز برای قانونی کردن عملیات خود ملزم به داشتن امتیازنامه عملیات حفاری و تجارت شدند. مطالعه این دسته از اسناد نیز مبین عملیات حفاری ایرانی‌ها، منحصرآ برای تجارت می‌باشد و سندی دال بر امتیازنامه‌های حفاری علمی - در این سال‌ها - یافت نشده است.^{۲۴} از طرف دیگر نظارت مستقیم دولت بر انجام عملیات حفاری و تجارت، بسیاری از کسانی را که برای تجار عتیقه‌فروش حفاری می‌کردند، بیکار نمود. عریضه‌ای که در سال ۱۳۱۰ از طرف این طبقه محروم به هیأت وزرا نوشته شده، تبیین‌کننده وضعیت نامساعد حفاران ایرانی است.^{۲۵}

فکر انجام مطالعات علمی برای ایرانیان هنگامی پیش آمد که تخصص‌های مهم باستان‌شناسی در انحصار هیأت‌های مختلف خارجی قرار گرفته بود. حفظ آثار عتیقه و موزه‌داری در ایران بر عهده افرادی نظیر آندره‌گدار فرانسوی بود که مسلماً بیشتر از ایران، منافع کشور خود را در نظر می‌گرفت. امتیازنامه‌های هیأت‌های خارجی حداقل «تا سال (۱۳۳۲) ش) همچنان به طور انحصاری برای آنها تجدید شد»^{۲۶} تا کشف نکات مبهم تاریخ ایران باستان به طور کامل نصیب خارجیان شود.^{۲۷} «... در طی این مدت تنها سه نفر ایرانی در رشته باستان‌شناسی و هنر ایران از دانشگاه‌های فرانسه دکتر گرفتند که به ترتیب مهدی بهرامی، عیسی بهنام و محسن مقدم بودند»^{۲۸}. «... که تا زمان تصدی آندره‌گدار با تحقیرهای پیاپی وی رویرو بودند. کاوش‌های جسته و گریخته‌ای که چند لیسانسیه باستان‌شناسی دانشگاه تهران «... در سال ۱۳۲۸ در خورویین، خوره‌ه‌اراک و تپه حسنلو و... انجام دادند نیز به هیأت آمریکایی دانشگاه پنسیلوانیا واگذار شد»^{۲۹}. «... به این ترتیب تا سال ۱۳۳۲ فعالیت‌های علمی باستان‌شناسی در ایران از حیطه نفوذ هیأت‌های خارجی بیرون نرفت و فعالیت عمده ایرانیان تنها در تجارت اشیای عتیقه که از گذشته به آن اشتغال داشتند، منحصر گردید»^{۳۰}.

- محمد اسماعیل رضوانی و فاطمه قاضی‌ها، (تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۱)، کتاب دوم، ص ۲۰۳.
- (۲۳) - ایل لوسوتور: همان، همان صفحه.
- (۲۴) - رومن گیرشمن: کاوش‌های هیأت‌های... همان صفحات؛ حیب‌اله صدی: همان، ص ۲۲۳؛ ایل لوسوتور: همان، ص ۱۰۲.
- (۲۵) - ایل لوسوتور: همان، همان صفحه.
- (۲۶) - همان، همان صفحه؛ حیب‌اله صدی: همان، صص ۲۳-۲۴.
- (۲۷) - آثار پراکنده تمدن و هنر ایران در گوشه و کنار جهان: (بدون مؤلف)، بررسی‌های تاریخی، سال اول، شماره ۳، ص ۴۵۳ نیز. ک به، ایل لوسوتور: همان، ص ۱۰۳.
- (۲۸) - همان، همان صفحه.
- (۲۹) - همان، ص ۱۰۵.
- (۳۰) - همان.
- (۳۱) - همان.
- (۳۲) - اسناد مربوط به عتیقات و آثار باستانی وزارت معارف با شماره تنظیم‌های ۷۱۰۰۱ و نخست‌وزیری ۱۱۳۰۰۸.
- (۳۳) - سند شماره ۲، شماره تنظیم آرشیو ۷۸۸۶ / ۱۱۳۰۰۸ نخست‌وزیری.
- (۳۴) - همان سند.
- (۳۵) - سند شماره ۳، (نظامنامه)، شماره تنظیم آرشیو ۸۹۱۵ / ۱۱۳۰۱۸ نخست‌وزیری.
- (۳۶) - اسناد شماره ۴ و ۵، شماره‌های تنظیم آرشیو ۸۰۷۶ و ۸۰۳۰ / ۱۱۳۰۰۸ نخست‌وزیری.
- (۳۷) - اسناد شماره ۶ و ۷، شماره تنظیم آرشیو ۸۲۲۴ / ۱۱۳۰۰۸ نخست‌وزیری.
- (۳۸) - عبدالهادی حائری: همان، صص ۲۷۶-۳۲۲.

- (۳۹) - دکتر حسین مجوبی اردکانی: تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸)، جلد سوم، ص ۵ و بعد.
- (۴۰) - برای اطلاع بیشتر. ک به، سیف‌الله کامبخش فرد: روایتی از کاوش‌های باستان‌شناسی در کوه‌های گیلان شرقی، باستان‌شناسی و تاریخ، سال نهم، شماره اول، پائیز و زمستان ۷۳، ص ۱۷.
- (۴۱) - همان، همان صفحه.
- (۴۲) - اسناد کامپیوتری موجود در آرشیو با کلید واژه «آثار باستانی و عتیقات».
- (۴۳) - سند شماره ۴۳، فصول دوم و سوم.
- (۴۴) - سند شماره ۴۸، شماره تنظیم آرشیو ۷۹۹۶ / ۱۱۳۰۰۸ نخست‌وزیری.
- (۴۵) - اسناد شماره ۹ و ۱۰، شماره تنظیم آرشیو ۷۹۹۶ / ۱۱۳۰۰۸ نخست‌وزیری.
- (۴۶) - سری اسناد نخست‌وزیری و وزارت معارف با عنوان آثار باستانی و عتیقات؛ سیف‌الله کامبخش فرد: همان.
- (۴۷) - تألیفات معتبر و متعدد ایران‌شناسان خارجی در مورد تاریخ ایران باستان خود گواه این مطلب است. «از. اُستده»، «دیاکانوف»، «گوتشمید»، «هرتسفلد»، «دانداما یوف»، «گراتوسکی»، «پیگولوسکایا»، «مالکوم کالج»، «گیوشمن»، «کرستین سن»، «نارمن شارب»، «نیرگ»، «دوبوازه»، «ریچارد فرای» و... که تألیفات آنها در زمینه شناخت تاریخ تمدن و فرهنگ ایران قبل از اسلام از اعتبار زیادی برخوردار می‌باشد.
- (۴۸) - سیف‌الله کامبخش فرد: همان.
- (۴۹) - همان.
- (۵۰) - بیشتر از دو هزار برگ سند در سری اسناد کامپیوتری موجود در آرشیو قرار دارد که حاکی از گزارش کشف دفینه‌های باستانی در نقاط مختلف ایران است، که از سرنوشت اغلب آنها اطلاعات کاملی در اختیار نیست.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

[سند شماره یک]

وزارت مالیه، اداره کابینه، سواد قرارنامه فی مابین دولتین علیتین فرانسه و ایران اینه تاریخ ۱۶ شهر ذی القعدة ۱۳۱۲ هجری / ۱۲ ماه مه ۱۸۹۵ میلادی]

در باب امتیاز انحصار انکشاف آثار قدیمه در ممالک محروسه ایران

فصل (۱): نظر به اتحاد قدیمی و دوستی خالص که خوشبختانه از سالیان دراز فی مابین دولتین قوی شوکتین ایران و فرانسه موجود است. سرکار بندگان اعلیحضرت قدر قدرت اقدس همایون شاهنشاه کل ممالک محروسه ایران دام سلطانه اعطاء می فرمایند به دولت فرانسه، امتیاز انحصار انکشاف آثار عتیقه را در تمام خاک ایران.

فصل (۲): از این امتیازنامه خارج است تمام اماکن مقدسه مشرفه از قبیل مساجد و مقابر؛ و دانشمندان فرانسه که مباشر اعمال حفریه خواهند بود تمام عادات و رسوم و آداب مملکت را کاملاً محترم و مدعی خواهند داشت.

فصل (۳): تمام مخارج از هر جهت به عهده دولت فرانسه خواهد بود. دولت ایران به هیچ وجه من الوجوه مشارکتی در مخارج نخواهد داشت.

فصل (۴): در هر موقعی که از طرف دولت جمهوری فرانسه به کارگزاران^(۱) دولت علیه ایران یک نفر مأمور داناى قابلی معین می فرمایند که در تسهیل مهمات آنها همراهی و اهتمام کنند و احترامات لازمه نسبت به دانشمندان فرانسه به عمل آورده، مراقب و مواظب باشد که شرایط مقرر در امتیاز از طرفین مدعی و مستحکم بماند و همین طور چون سفارت فرانسه می خواهد مسئولیت کامل داشته باشد در برابر دولت علیه ایران از امورات دانشمندان فرانسه، یک نفر از اجزای سفارت فرانسه را مأمور خواهد نمود تا در تقاطعی که مشغول انکشاف باشند حاضر باشد و از هر چیز مراقبت کامل به عمل آورد.

فصل (۵): حکومت فرانسه وعده می دهد که نگذارد مامورین او، هیچ طور حالتی از چگونگی اعمال خود را طبع و انتشار نمایند بدون این که به طبع و انتشار از طرف دولتین فرانسه و ایران مأذون و مجاز باشند.

فصل (۶)^(۲): اشیای نفیسه از قبیل طلا و نقره و یا جواهر اگر پیدا شود ملک مخصوص دولت علیه ایران خواهد بود. ولی چون مامورین فرانسه در انکشاف آن زحمت کشیده اند اگر بخواهند خریداری نمایند دولت ایران نصفه آن را به قیمت عادله به آنها خواهد فروخت و نصف دیگر را هم در صورتی که دولت علیه خواسته باشد بفرودشد، دولت فرانسه مقدم خواهد بود.

فصل (۷): از حجاری و مجسمه و خطوط هر چه یافت شود می توانند نقشه و قالب^(۳) آن را بردارند و آنچه پیدا شود نصف آن مال دولت فرانسه خواهد بود.

فصل (۸): در برابر این التفات مخصوص ملوکانه که دولت قوی شوکت اعلیحضرت اقدس همایون^(۴) شاهنشاهی دام سلطانه نسبت به خواهش دولت فرانسه فرموده اند، دولت فرانسه هم مبلغ ده هزار تومان به حضور مبارک بندگان اعلیحضرت اقدس معظم له دامت سلطته، تقدیم خواهد نمود. در تهران^(۵)، در دو نسخه نوشته و مبادله شده، به تاریخ ۱۶ شهر ذی القعدة^(۶) ۱۳۱۲ هجری مطابق ۱۲ ماه مه ۱۸۹۵ میلادی.

محل صحه و ملاحظه شد اعلیحضرت اقدس همایونی، محل امضا و مهر وزیر مختار فرانسه: رنه دوپالوا،
محل مهر معین الملک، محل مهر و امضای صدر اعظم.

قرارنامه دولتی موشح به امضای دستخط همایون است.

(۱). اصل: کارگزاران
(۲). اصل: ششم، و در سطرهای بعدی هفتم، هشتم
(۳). اصل: غالب
(۴). اصل: همیون
(۵). اصل: طهران.
(۶). اصل: ذی قعدة.

(۱). اصل: کارگزاران
(۲). اصل: ششم، و در سطرهای بعدی هفتم، هشتم
(۳). اصل: غالب
(۴). اصل: همیون
(۵). اصل: طهران.
(۶). اصل: ذی قعدة.

(۱). اصل: کارگزاران
(۲). اصل: ششم، و در سطرهای بعدی هفتم، هشتم
(۳). اصل: غالب
(۴). اصل: همیون
(۵). اصل: طهران.
(۶). اصل: ذی قعدة.

اسناد شماره ۲

ریاست وزرا ، نمره ۷۰۴۵، به تاریخ ۱۳۰۷/۱۱/۲

هیأت وزرا در جلسه دوشنبه ۲۴ دی ماه ۱۳۰۷ تصویب نمودند که وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه از این تاریخ تا یکسال دیگر به مسیو «مکنم» اجازه حفریات در شوش را به نظارت وزارتین مالیه و معارف بدهد.

[امضا مهدیقلی هدایت]، [امضا یحیی قراگوزلو]، [امضا محمود جم]، [امضا قاسم صوراسرافیل]، [امضا حسین سمیعی]،
[امضا فیروز فیروز (نصرت الدوله)]، [امضا فتح الله پاکروان].

اسناد شماره ۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

نظامنامه اجرای قانون ۱۲ آبان ماه ۱۳۰۹ شمسی راجع به حفظ آثار عتیقه

فصل اول - آثار ملی منقول و غیر منقول

ماده اول: آثار ملی و عتیقات متصل بر زمین غیر منقول بوده و در غیر این صورت منقول خواهد بود. قطعات سنگین متعلق به آثار عتیقه غیر منقول وقتی هم از بنا جدا شده باشد در حکم غیر منقول محسوب خواهد شد.

ماده دوم: امکنه طبیعی از قبیل غارها و پناهگاههای زیر صخور که شامل آثار تمدن قدیم باشد، جزء عتیقات و آثار غیر منقول محسوب است. مصالح ساختمان یا تزئینات متعلقه به اینیه و امکنه طبیعی در صورتی که جدا از آنها پیدا شده باشد و به آسانی حمل و نقل شود از آثار و عتیقات منقول محسوب است.

ماده سوم: اداره مربوطه مذکور در ماده چهار قانون عبارت است از اداره عتیقات در مرکز و نمایندگان معارف در ایالات و ولایات برای ادای وظایف مقرر در قانون عتیقات در اماکنی که از محل اداره معارف دور باشند، می توان به مأمور مالیه مراجعه نمود و مأمور مالیه باید قضیه را به نزدیکترین اداره معارف یا به وزارت معارف مراجعه نماید و در هر صورت نماینده معارف مراتب را برای اخذ تصمیم به وزارت معارف اطلاع خواهد داد.

ماده چهارم: اداره عتیقات مرکزی اعم از این که مستقیماً به وجود مالی که قابل ثبت در فهرست آثار ملی باشد پی ببرد، یا آن که به واسطه اعلام اشخاص و یا ادارات دیگر بر این فقره اطلاع یافته باشد باید در باب مال مزبور تحقیقات به عمل آورد و هرگاه تشخیص داد که آن مال دارای شرایط لازمه ثبت می باشد، ثبت آن را به وزیر معارف پیشنهاد نماید. هرگاه وزیر معارف ثبت مال را تصویب نمود، اداره عتیقات لزوم ثبت را به مالک اخطار می کند و اگر مالک در ظرف یک ماه از تاریخ وصول اخطار اعتراض نمود، مال مزبور او را در فهرست، ثبت خواهد کرد و اگر اعتراض نمود آن را مورد رسیدگی قرار داده، نتیجه رسیدگی و عقیده خود را به وزیر معارف اظهار خواهد نمود. رأی وزیر معارف در باب ثبت یا عدم ثبت مال قاطع خواهد بود.

ماده پنجم: آثار ملی منقول و غیر منقول باید در فهرست های جداگانه ثبت شود.

ماده ششم: مأمورین اداره عتیقات که موظف به تهیه فهرست آثار ملی هستند، بایستی برای هر یک از آثار غیر منقول که بنای ثبت آن می شود، دوسیه کاملی از اطلاعاتی که راجع به آن جمع آوری شده است تشکیل دهند. این دوسیه باید شامل کلیه اطلاعات لازمه برای تجویز پیشنهاد ثبت بوده حتی الامکان دارای نکات ذیل باشد.

۱ - اسمی که مال غیر منقول در محل، به آن اسم معروف است.

۲ - اسم حقیقی آن

۳- موقع جغرافیایی آن

۴- اسم بانی و سازنده آن

۵- تاریخ بنای آن

۶- نقشه اجمالی آن

۷- چند قطعه عکس آن

۸- کیفیت قانونی آن از حیث ملکیت و وقفیت و تصرف و امثال ذلك.

۹- کلیه مشخصات قابل توجه دیگر که در فوق ذکر نشده، ممکن است موجب ثبت مال باشد.

۱۰- معلومات و یادداشت‌هایی که بعداً بتواند مُمد ترسیم و تعیین نقشه و مقاطع و اندازه و شرح ساختمان و تزیینات بنا بشود.

۱۱- هرگاه ممکن شود، نقشه و عکس و «چربه» و یا قالب‌گیری از کتیبه‌ها و ذکر قصه‌هایی که راجع به آن محل در السنه و افواه است، در صورتی که بنا تجدید و یا تعمیر شده باشد، تاریخ عملیات و اسم شخص یا اشخاص مرمت‌کننده و تعیین قسمت‌های مرمت شده یا عکس و نقشه دال بر آن - حاصل این که کلیه معلوماتی که تحصیل آنها ممکن باشد، باید ذکر شود و مخصوصاً باید به خاطر داشت که از هیچ امری و مطلبی هر قدر بی‌اهمیت به نظر آید، نباید صرف نظر نمود. همین که مال غیر منقولی به عنوان آثار ملی قطعاً ثبت شد، دوسیه [ای] که مدرک ثبت واقع شده به انضمام حکم وزارتی راجع به ثبت در ضبط آثار ملی محفوظ خواهد شد و هر اقدامی هم که از طرف اداره عتیقات برای محافظت مال اتخاذ شده است یا تعمیراتی که بعداً نسبت به آن به عمل آید، بایستی مفصلاً یادداشت شده، ضمیمه دوسیه گردد.

ماده هفتم: مراقبت در حفظ آثار ملی و الزام اشخاص به رعایت مقررات قانون برای محفوظ و سالم ماندن آنها بر عهده اداره عتیقات است.

ماده هشتم: هرگاه مالک یا متصرف بنايي که به عنوان آثار ملی ثبت شده بخواهد آن بنا را تعمیر نماید. باید از وزارت معارف تحصیل اجازه نماید و صدور اجازه وزارت معارف منوط به اجرای مقررات ذیل خواهد بود.

ا- دادن نقشه و پروگرام مبسوط تعمیراتی که می‌خواهند بنمایند.

ب- تعهد اجرای تعمیرات به وسیله متخصصینی که وزارت معارف تصویب نماید.

ج- تعهد عدم انحراف از نقشه و پروگرامی که وزارت معارف تصویب نماید.

د- دادن وثیقه یا ضامن معتبر برای اتمام تعمیرات.

در صورتی که مالک قبل از اتمام، عملیات را ترک کند اداره عتیقات موظف خواهد بود که هر مقدار از عملیات را که عدم انجام آن باعث خرابی یا نقص و عیب بنا باشد از محل وثیقه یا به وسیله ضامن موافق تعهدی که نموده، تعمیر بنا را به اتمام برساند.

اگر عملیات بر طبق دستوری که در اجازه‌نامه وزارتی تعیین شده است مجری نشود، اداره عتیقات می‌تواند مالک را ملزم نماید که بنا را موافق دستور وزارتی تجدید کند یا اگر وزارت معارف مقتضی بداند از محل وثیقه یا وجه‌الضمانه تعمیر را به اتمام رساند. مقررات فوق مانع نخواهد بود که اگر عملیات مالک مشمول قانون مجازات و تخریب آثار ملی باشد، مرتکب بر طبق قانون مجازات شود.

ماده نهم: برای حفظ آثار و امکنه ملی که به ملاحظات تاریخی، حائز اهمیت مخصوصی است، ممکن است مناطق مخصوص از طرف دولت تشخیص شود که ساختمان و غرس اشجار و حفر چاه‌ها و قنات و احداث قبرستان‌ها در آن ممنوع باشد. در موقع تعیین مناطق ممنوعه، وزارت معارف عملیاتی را که در آن مناطق ممنوع است صریحاً معین کرده و حتی را که برای جبران خسارت ممکن است به اشخاص ذی‌حق داده شود معلوم می‌نماید.

ماده دهم: آثار غیر منقول ملی که از بلاد و قصبات و قراء دور باشد، به وسیله مأمورین مربوطه مخصوص حفظ خواهد شد. در مورد آثار غیر منقول ملی که در داخل یا نزدیک بلاد و قصبات و قراء واقع شده باشد وزارت معارف می‌تواند حفظ آنها را به بلدیة شهر یا در صورت داشتن متولی به خود او و اگذار نموده، دستور ثبت آنها را صادر کند. علی‌ای حال تعیین کیفیت محافظت با وزارت معارف است.

ماده یازدهم: هرگونه نقل و انتقالی که در مال ثبت شده به عمل آید و به طور کلی هر عارضه [ای] که راجع به آن روی دهد باید به طور صریح و کامل در دوسیه مال مزبور قید شود.

فصل دوم: حفاری

ماده دوازدهم: تعیین و تشخیص مقدمات ثبت و آثار ملی و اقدام به حفاری برای دولت و اجرای مقررات ماده ۱۱ قانون از طرف دولت به توسط اداره عتیقات انجام خواهد گرفت.

ماده سیزدهم: اجازه حفاری به موسسات علمی در اماکنی که در فهرست آثار ملی ثبت شده است به توسط هیأت وزرا داده خواهد شد. اجازه حفاری در اماکنی که در فهرست آثار ملی ثبت نشده از طرف وزارت معارف داده خواهد شد. ولی مادام که ثبت عمومی آثار ملی به اتمام نرسیده، اجازه حفاری مطلقاً موقوف به تصویب هیأت وزرا خواهد بود.

ماده چهاردهم: تقاضانامه اجازه حفاری باید تقدیم وزارت معارف شده شامل نکات ذیل باشد:

۱- اسم و نام خانواده و سمت و محل اقامت و ملیت تقاضاکننده و اگر تقاضا برای موسسه علمی است، اسم و نام خانواده و سمت و محل اقامت و ملیت نماینده رسمی آن موسسه در ایران و همچنین اسم متخصصی که مسئول حفاری است.

۲- تعیین محل حفر و حدود آن به طور تفصیل و صریح با نقشه یا طرح مکان یا امکنه که تقاضاکننده می خواهد در آنجا حفاری کند.

۳- توضیح منظور حفاری و پروگرام عملیات آن.

۴- تاریخ شروع به عملیات.

ماده پانزدهم: اجازه نامه برای یک یا چند محل و به مدت یکسال یا چند سال داده خواهد شد.

ماده شانزدهم: مدت جواز حفاری های تجارتي از پنج سال تجاوز نخواهد نمود ولی قابل تجدید خواهد بود.

ماده هفدهم: مدتی که در ظرف آن اجازه نامه معتبر خواهد بود و محلی که حفاری در آنجا باید به عمل آید با حدود آن در اجازه نامه باید ذکر شود به اضافه وزارت معارف می تواند شرایط فنی دیگری را که مصلحت بدانند به تقاضاکننده حفر الزام کند.

ماده هیجدهم: رئیس اداره عتیقات یا هرکس که از طرف او معین شده باشد، حق دارد محل حفاری را بازدید نماید و اشیایی که یافت می شود نیز باید هر موقع مشارالیه لازم بدانند به او ارائه شود و به علاوه نماینده اداره عتیقات حق دارد در هر موقع در عملیات حفاری نظارت نماید.

ماده نوزدهم: حفظ محل حفر به عهده صاحب اجازه حفاری است.

ماده بیستم: صاحب اجازه حفر ملزم است که لااقل سالی شصت روز در محلی که به او اجازه داده شده است حفاری کند. مگر این که در کمتر از این مدت حفاری به اتمام برسد.

ماده بیست و یکم: قالب گیری از عتیقات مکتشفه به وسایلی که رطوبت به کار برده شود و هرگونه عملی که باعث تزییع آنها بشود، ممنوع است.

ماده بیست و دو: در صورتی که دولت به صاحب اجازه حفر اختیار بدهد که قطعات سنگین عتیقه غیر منقولی را موقتاً تغییر مکان بدهد، برگرداندن به مکان اول به عهده مشارالیه خواهد بود. و همچنین صاحب اجازه ملزم است پس از اتمام عملیات جاهها و گودال هایی را که احداث کرده است پر کرده و استخوان ها و بقایای دیگری که موجب زحمت عابرین می باشد، مستور نماید.

ماده بیست و سوم: در آخر هر موسم حفاری صاحب اجازه، چیزهای ذیل را به ریاست اداره عتیقات خواهد داد.

۱- نقشه [ی] از محل های حفر با توضیحات راجع به وضع ابنیه و اشیای مهمه مکتشفه

۲- صورتی از کلیه ابنیه و اشیای مکتشفه اعم از سهم دولت یا سهم خود او.

۳- راپرت مختصری مشتمل بر تاریخچه عملیات و شرح نتایج حاصله با اشاره به نقشه و صورت اشیا

ماده بیست و چهارم: حفرکنندگان و موسسات علمی که اجازه حفاری گرفته اند دو نسخه از هر یک از کتب یا مقالات یا جراید یا عکس ها و نقوش و نقشه هایی که در باب عملیات حفاری خود راجع به اشیای مکتشفه منتشر نموده اند باید به اداره عتیقات تسلیم نمایند.

ماده بیست و پنجم: در صورت تخلف از اجرای مقررات یکی از مواد مذکور در فوق، عملیات حفاری ممکن است به موجب تصمیم وزیر معارف تا موقعی که مخالفت مرتفع نشده معلق شود. اجازه نامه حفر را ممکن است در صورت تخلف مهم از مقررات وزارت معارف مسترد دارد.

«فصل سوم تجارت عتیقات»

ماده بیست و ششم: هرکس مایل به تجارت عتیقات باشد باید از وزارت معارف تحصیل اجازه نماید. علی‌هذا موجبات ممنوعیت از تجارت عتیقات را وزارت معارف تعیین و اعلان خواهد نمود. اجازه‌نامه تجارت عتیقات قابل انتقال نخواهد بود:

ماده بیست و هفتم: تقاضای تحصیل اجازه‌نامه بایستی تقدیم وزارت معارف شده دارای نکات ذیل باشد:

۱- اسم و نام خانواده و محل اقامت و تابعیت تقاضاکننده

۲- تعیین محل تجارتخانه

ماده بیست و هشتم: عتیقاتی که تجارت آنها مجاز است به قرار ذیل می‌باشد:

۱- عتیقاتی که تا موقع تصویب قانون آثار ملی به طرق مجاز به دست آمده است.

۲- عتیقاتی که به موجب اتفاق یافت شده و بر طبق مقررات ماده (۱۰) قانون تعلق به کاشف آن دارد.

۳- عتیقاتی که از طرف دولت در ضمن حفاری به دست آمده و دولت ضبط آنها را در مجموعه‌های ملی لازم نمی‌داند.

۴- اشیایی که در ضمن حفاری تجارتنی کشف شده و قانوناً سهم صاحب اجازه حفار است.

۵- عتیقاتی که در نتیجه حفارتنی عاید دولت شده و دولت ضبط آنها را لازم ندانسته، به معرض فروش درآورد.

۶- عتیقاتی که دولت بر طبق ماده (۱۶) قانون ضبط کرده و به معرض فروش درآورده است.

ماده بیست و نهم: هر تاجر عتیقه باید دارای دفتری باشد مطابق نمونه [ای] که از طرف اداره عتیقات داده می‌شود و کلیه عتیقاتی که تاجر خرید و فروش می‌نماید باید با تاریخ و نمره ترتیبی در دفتر مذکور قید شود. مشخصاتی که معرف هیت عتیقه مورد معامله است از قبیل جنس و رنگ و اندازه و شکل و غیرها با کلیه نکاتی که می‌تواند قانوناً مجوز خرید و فروش آن واقع شود، ثبت آن دفتر خواهد شد. قبل از این که دفتر مورد استعمال واقع گردد، کلیه صفحات آن باید از طرف مفتش اداره عتیقات امضا شود.

ماده سی ام: هرگاه تاجر عتیقات در چندین محل مشغول به تجارت باشد، حمل عتیقات از محلی به محل دیگر باید مانند خرید و فروش آن در دفاتر هر دو موسسه قید شود.

ماده سی و یکم: مفتش اداره عتیقات تنها یا به معاونت مأمور قوه اجرائیه می‌تواند در هر تجارتخانه عتیقه وارد شده دفاتر خرید و فروش تاجر را تفتیش و معاملات او را تفتیش کند. تاجر باید از دادن توضیحات لازم خودداری نکند. مأمور اداره عتیقات پس از تفتیش باید تفتیش خود را با ذکر تاریخ در دفاتر موسسه قید نماید.

ماده سی و دوم: اشتغال به تجارت عتیقات بدون اجازه‌نامه رسمی و همچنین هر نوع تخلفی از مقررات این فصل که شرایط تجارت عتیقات را تعیین می‌کند، تعقیب و مورد مجازات خواهد شد.

ماده سی و سوم: هر دلال یا تاجری که به هر عنوان دخیل در فروش عتیقه شود که در ضمن حفاری غیرقانونی به دست آمده است، شریک جرم حفار محسوب و مثل او قابل تعقیب و مجازات خواهد بود.

ماده سی و چهارم: صدور عتیقات از ایران محتاج به اجازه‌نامه رسمی وزارت معارف است و برای تحصیل آن باید تقاضانامه کتبی به اداره عتیقات تسلیم شود. صورتی از عده اشیاء و جنس و طریق تحصیل و قیمت تجارتنی آنها باید با تقاضانامه همراه باشد. هر یک از اشیاء که معلوم شد ممنوع‌الصدور و ممنوع‌التجاره نبوده و یا در ضمن تفتیش معلوم نشود که از حفاری غیرجایز به دست آمده و قیمت تجارتنی آنها از طرف مقوم دولت تصدیق بشود، بسته و مهور شده و اجازه خروج در مقابل تأدیه متن خروجی و عوارض گمرکی داده خواهد شد.

تبصره: اشیای ممنوع‌التجاره و یا اشیایی که معلوم شود از حفاری غیرجایز به دست آمده است، ضبط خواهد شد.

ماده سی و پنجم: در صورت اختلاف بین صاحب مال و مقوم دولت راجع به تعیین قیمت مال، حل اختلاف به کمیسیون مرکب از سه نفر حکم، یکی از طرف ریاست اداره عتیقات و یکی از طرف صاحب مال و یک نفر حکم مشترک که به تراضی معین شود، رجوع خواهد شد و رأی اکثریت حکم‌ها قاطع خواهد بود. وزارت معارف صورتی از اشخاصی که صالح برای حکم شدن در این موارد باشند تهیه خواهد نمود که هرگاه حکم مشترک به تراضی معین نشود، از بین این اشخاص به حکم قرعه انتخاب شود.

ماده سی و ششم: عتیقات ایرانی که از خارج داخل ایران می‌شود باید با تصدیق‌نامه گمرک سرحد به اداره عتیقات ارائه شود و از طرف اداره عتیقات به ارائه‌دهندگان تصدیقی داده خواهد شد که در موقع خارج کردن از ایران آن را مجدداً ارائه دهند.

[امضا مهدیقلی هدایت]، [امضا علی منصور]، [امضا حسن تقی زاده]، [امضا محمدعلی فروغی]، [امضا مهدی فرخ]،
[امضا قاسم صوراسرافیل]، [امضا سیدباقر کاظمی]، [امضا داور]

[حاشیه: این نظامنامه که مشتمل بر ۳۶ ماده است، در جلسه شنبه ۲۵ بهمن ماه ۱۳۰۹ تصویب گردید. علی منصور [امضا]

[سند شماره ۴]

اداره کل تجارت، به نمره ۲۲۱۲، تاریخ ۱۳۱۱/۲/۳
مقام منبع هیأت محترم وزرای عظام

از سفارت فرانسه به وسیله وزارت جلیله امور خارجه اطلاع می دهند از حفاری شوش که به موجب قرارداد، با اطلاع و نظر رئیس اداره عتیقات دولت شاهنشاهی تقسیم شد. سهم دولت فرانسه در بیست و پنج صندوق بسته و شصت هزار ریال تقویم گردیده که باید به وسیله مسیو «دومکنم» رئیس میسیون حفاری، از طریق اهواز به فرانسه حمل شود. نظر به این که اشیا مزبور برای فروش نخواهد بود، سفارت فرانسه تقاضا دارد که از تعهد فروش اسعار معاف باشد. اینک مستدعی است تصویب فرمایند اجازه خروج اشیا مزبور از ایران بدون تعهد فروش اسعار خارجی داده شود.

[امضا عبدالله یاسایی]، [مهر اداره کل تجارت]

[حاشیه: در جلسه سوم اردی بهشت ۱۳۱۱ تصویب شد.]

[سند شماره ۵]

اداره کل تجارت، اداره انحصار تجارت خارجی، دایره تمهیدات اسعاری، نمره ۳۸۴۵/۴۲۶۲، تاریخ ۱۳۱۲/۲/۶
مقام منبع هیأت محترم وزرای عظام

به طوری که از وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه مرقوم داشته اند، پانزده صندوق محتوی اشیای مستخرجه از حفاری شوش که سهم موزه «لوور» است به توسط مسیو مکمن رئیس هیأت حفاری محل مذکور حمل به پاریس می شود و تقاضا کرده اند در موقع صدور از تعهد فروش اسعار خارجی معاف گردد و چون اشیای مزبور سهمی موزه لوور می باشد علی هذا مستدعی است بر طبق بند (ه) از ماده (۷) قانون انحصار تجارت خارجی تصویب فرمایند صندوق های فوق الذکر که قیمت آنها در حدود پنجاه هزار (۵۰/۰۰۰) ریال است در موقع صدور بدون دادن تصدیق صدور از تعهد فروش اسعار خارجی معاف گردد.

[امضا عبدالله یاسایی]، [مهر اداره کل تجارت]

[حاشیه: در جلسه ۶ اردی بهشت ۱۳۱۲ تصویب شد.]

اسناد شماره ۶

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره عتیقات، نمره ۴۱۹/۷۳۸۹، به تاریخ ۱۳۱۴/۲/۱۶، ضمیمه یک ورقه سواد مقام منبع هیأت وزرای عظام دامت شوکتهم

آقای دومکنم نماینده موزه لوور رئیس هیأت حفاری علمی شوش، تقاضا نموده اجازه حفاری علمی در «شوگ زنبیل» واقع در چهل کیلومتری جنوب شرقی شوش برای مدت پنجسال به مشارالیه داده شود. لذا مراتب را بر طبق ماده ۱۳ نظامنامه حفظ آثار عتیقه معروض می‌دارد تا در صورت تصویب اجازه حفاری در اراضی مذکور به نام مشارالیه صادر گردد.

وزیر معارف و اوقاف [امضا علی اصغر حکمت]، [مهر وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه]

[حاشیه:] تصویب‌نامه تهیه شود. ۱۳۱۴/۲/۱۷ [۱۳]

[۱۱۳۰۰۸/۸۲۲۴]

اسناد شماره ۷

ریاست وزرا، نمره ۱۱۶۳، به تاریخ ۱۳۱۴/۲/۱۸

هیأت وزرا در جلسه ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۱۴ نظر به پیشنهاد نمره ۴۱۹/۷۳۸۹ وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه بر طبق ماده ۱۳ نظامنامه حفظ آثار عتیقه تصویب نمودند که اجازه حفاری علمی در شوگ زنبیل واقع در چهل کیلومتری جنوب شرقی شوش، برای مدت پنج سال به آقای دومکنم نماینده موزه لوور [و] رئیس هیأت حفاری علمی شوش داده شود.

[امضا محمدعلی فروغی]، [امضا محمود جم]، [امضا علی منصور]، [امضا علی اصغر حکمت]،

[امضا محسن صدر (صدرالاشراف)]، [امضا نظام‌الدین حکمت]

اسناد شماره ۸

ریاست وزرا، نمره ۱۵۷۰، مورخه ۱۳۱۰/۳/۱

هیأت وزرا در جلسه ۱۳۱۰/۲/۲۷ بر حسب پیشنهاد نمره ۴۴۹۶ - ۲۰۵۴ وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، تصویب نمودند که با تقاضای «سلیمان خان یظهري» تاجر عتیقه فروش [و] وکیل «میرزا حسن مینایی یزدی» و مشهدی «یدالله نوروزی» و استاد غلامعلی قنبری حفار ساوه برای اجازه حفاری تجارتي در ده هزار ذرع از اراضی مخروبه قدیم شهر ساوه به مدت پنج سال موافقت شود.

[امضا مهدیقلی هدایت]، [امضا یحیی قراگوزلو]، [امضا علی منصور]، [امضا قاسم صوراسرافیل]، [امضا علی اکبر داور]،

[امضا محمدعلی فروغی]، [امضا عنایت‌الله سمیعی]، [امضا جعفرقلی بختیار (سردار اسعد)]

* - اصل: کیلومتری

اسناد شماره ۹

عریضه [به] مقام منبع و موقع رفیع هیأت جلیله وزرای عظام دامت عظمت‌العالی، از طرف طبقه حفار، آدرس تجارتخانه زرکش، میرزا حسن مینایی،
[ورود به کابینه ریاست وزرا، نمره ۴۴۴۹، به تاریخ ۱۳۱۰/۵/۳۰]

مقام منبع و موقع رفیع هیأت وزرای عظام دامت عظمت‌العالی

با نهایت احترام، در تعقیب عریضاتی که به آن مقام منبع تقدیم شده، عرضه می‌داریم:

اولاً: تاکنون به مدت یک سال است که به واسطه وضع قانون حفظ آثار ملی، این بیچارگان که بالغ بر دو-سه هزار نفر هستیم بیکار و ویلان و سرگردان، در پناه بزرگواری آن هیأت معظم بسر می‌بریم. و با تقدیم عریضات عاجزانه خود تاکنون به جواب قاطعی سرفراز نشده‌ایم.

ثانیاً: تمنای عاجزانه از آن مقام منبع می‌نماییم که استرحاماً به عریضات ما بیچارگان رسیدگی فرمایند. و به نکات ذیل خاطر آن هیأت معظم را مستحضر می‌داریم که اولاً وضع قانون مزبور، مربوط به حفاری علمی است نه حفاری تجارته به واسطه این که حفاری علمی در زمین‌های تاریخی از قبیل تخت جمشید و غیره عمل می‌شود و زمین‌های مزبور متعلق به دولت است. در حفاری‌های علمی ممکن است که قانون مزبور به موقع اجرا گذارده شود زیرا که حق الارض ندارد و اشیای صحیح استخراج می‌شود و قابل همه نوع استفاده می‌باشد و زمین‌های مزبور را به ماها اجاره* نمی‌دهند. ما مجبور هستیم که در اراضی که ابتدا قابل استفاده نیست به تومانی ۴ قران از مالکین اجاره نماییم. به اضافه تومانی دو قران که حق جواز و گمرک و اگر طبق ماده ۱۴ عمل شود و یک ظرف به علاوه تومانی پنج قران که حق دولت است. در این صورت برای احدی ممکن نیست که بتواند زیر بار این قانون برود. در حالی که شاید در سال یک دانه ظرف صحیح از این اراضی غیر قابل، استخراج نشود که آن هم... ظرف دیگر متعلق به دولت است. به اضافه نصف اشیای مستخرجه حفاری که بایستی در سال درصدی ده تومان به اضافه مخارجاتی که در سال نموده است، مجاناً بدهد.

ثالثاً: حفاری ما هیچ ربطی به حفاری علمی ندارد و تجارته است و اشیای مستخرجه ما عبارت از تپله‌های شکسته‌ای است که شاید چند سال دیگر به کلی از بین برود. این عملیات جز تهیه لقمه نانی برای ما بیچارگان و عیالات ما استفاده دیگری ندارد. زیرا اراضی مزبور قابل اشیایی که بتوان آنها را جزء حفظ آثار ملی قرار داد نیست. ولی چیزی که هست یک مخارج جزئی از ماها اداره نموده و مبالغی بر صادرات مملکتی افزوده می‌گردد.

رابعاً: تمنای عاجزانه می‌نماییم که رسیدگی به وضعیت قانون مزبور و عریض ما بیچارگان نموده، تکلیف قطعی ما بیچارگان را معلوم فرمایند و وزارت جلیله معارف جز تکیه‌گاه به قانون مزبور و ضمناً «اگر می‌خواهید حفاری کنید بایستی طبق قانون مزبور با شماها عمل شود» جوابی دیگر به ما نمی‌دهد. و ماها مبالغی زمین در اطراف شهرها اجاره نموده‌ایم و اجاره آنها را قبلاً به طور اقساط پرداخته‌ایم، مبالغی کثیر به ماها ضرر وارد آمده و می‌آید. و نیز قانون مزبور مربوط به حفاری تجارته نیست، بایستی با حفارت علمی که در اراضی دولتی عملیات می‌نمایند، عمل نمایند. با این حال به کلی از کارهای ما جلوگیری شده و همه روزه بر بدبختی ما اضافه می‌نمایند. در خاتمه استدعای عاجزانه می‌نماییم که زودتر تکلیف ما بیچارگان را خود آن هیأت معظم معلوم و معین فرمایند. و ضمناً برای استحضار خاطر مبارک آن هیأت معظم عرضه می‌داریم متخصص فن مزبور نقطه نظری جز مسدود نمودن راه ثروتهای خارجه که در قبال این تپله‌های شکسته نابود شده، به مملکت و ما بیچارگان کمک می‌شد، نظر دیگری نداشته و فقط این که حفاری علمی و تجارته را با تشریح ماده ۱۴ مخلوط نموده است، از روی بی‌علمی و بی‌بصیرتی بوده و ضمناً هیچ‌گونه منافی را برای دولت منظور ننموده است. همچنان که مدت مدیدای است که به کلی تمام حفاران دست از کار کشیده و دیناری به عواید دولت اضافه نشده است و ضمناً لطمه بزرگی به صادرات مملکت زده است. هرگاه کاملاً مورد نظر قرار داده، صدق و کذب عریضات ما بیچارگان

معلوم خواهد شد.

از طرف طبقه حفار
[امضا و مهر غلام‌علی قنبری]، [امضا و مهر حسن عتیقه‌چی]، [امضا و مهر علی بابایی]، [و سه مهر ناخوانای دیگر]

[حاشیه:] به وزارت معارف رجوع نمایند. ۱۳۱۰/۵/۲۸ [۱۳]

[سند شماره ۱۰]

شیر و خورشید، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف، دایره عتیقات،
نمره ۴۷۵۶/۱۰۸۸۲، به تاریخ ۱۳۱۰/۵/۱۳، [رونوشت]

آقای میرزا حسن مینایی و سایر حفارین

عریضه [ای] که به مقام منبع ریاست وزرای عظام دامت شوکت، راجع به قانون حفظ آثار عتیقه عرض کرده بودید و برای صدور جواب به این وزارتخانه ارسال گردیده، واصل و ملاحظه شد. به طوری که مستحضر می‌باشید در این موضوع در کمیسیونی که با حضور نمایندگان شما تشکیل شده بود، مذاکرات لازم به عمل آمد و البته از نتیجه مطلع شده‌اید. در صورتی که مایل به حفاری باشید باید به همان ترتیب رفتار کنید.
محل امضا و مهر.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

*. اصل: اجازه

